



## رهایی انسان از خشونت امروزی مشروط به پاک نگه داشتن هنر است

بخشعلی قنبری با بیان اینکه هنر غریزی در دیدگاه مولوی به گونه ای طراحی شده که نه تنها مانع رسیدن انسان به تعالی و کمال که می تواند در این حوزه انسان را مدد رسان باشد، گفت: هدف اصلی هنر سکولار ارضای غرایز شهوانی است.

بخشعلی قنبری با بیان اینکه هنر غریزی در دیدگاه مولوی به گونه ای طراحی شده که نه تنها مانع رسیدن انسان به تعالی و کمال که می تواند در این حوزه انسان را مدد رسان باشد، گفت: هدف اصلی هنر سکولار ارضای غرایز شهوانی است.

دکتر بخشعلی قنبری استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی درباره تفاوت میان هنر روحانی و هنر نفسانی از دیدگاه مولانا به خبرنگار مهر گفت: مولوی همه چیز را از زاویه دید خدا نگاه می کند. حتی در دعاهای خود این نکته را به صراحت آورده و از خدا خواسته تا به او چشمی دهد تا با آن چشم فقط به خدا نگاه کند. معروف است که مولوی می گوید: #171 بعد از این ما از تو دیده خواهیم و بس/تا نگیرد بحر را خاشاک و خس راquo;. مولوی معتقد است ما باید از خدا فقط دو چشم بخواهیم که فقط به او بنگریم. نگاه مولوی مبتنی است بر این نگرش که در معرفت شناسی او فقط خداوند شایسته شناختن و تقرب جستن است. در اینجا می گوید انسان از نظر من یک جفت چشم است و در قالب یک شعر این طور بیان می کند: #171 آدمی دید است و باقی پوست است/پوست آن باشد که دید دوست است راquo;. یعنی آدمی فقط یک جفت چشم است و با این چشم فقط باید دوست را نظاره کند. از این زاویه، هنری که به وجود می آید قطعاً هنر خدایی خواهد شد. در این نگرش جز خدا چیز دیگری وجود ندارد. طبیعتاً خدا هم خدای امیال نیست. خدای هوس ها و غریزه ها نیست. خدای تعادل و تکامل است. در این نگرش حتی اگر غریزه ای هم وجود داشته باشد این غریزه هم در طول این نوع نگاه قرار می گیرد.

وی افزود: مولوی نظریه ای بیان می کند که بر اساس آن غرایز انسان را به مرکبی چموش تشبیه می کند و می گوید برای اینکه از غرایز هم بهره ببرید اسب چموش غریزه را به سمت مسیر الهی برانید. به عبارت دیگر مولوی حتی غرایز را در مسیر تعالی انسان قرار می دهد. به تعبیر دیگر او درباره غرایز نظریه تصعید را مطرح می کند به این صورت که اگر غرایز را نمی توانید کنترل کنید اهداف متعالی تان را در مسیر غرایز قرار دهید تا به آنها نزدیک شوید هرچند که در ظاهر بر مرکب چموش غرایز سوار شدید اما چون غرایز در مسیر اهدافتان قرار دارند لذا از اهداف متعالی دور نخواهید شد بلکه به آنها نزدیک خواهید شد. در واقع اگر اهداف متعالی انسان در سمت مخالف اسب چموش غرایز باشد و هرگز حاضر نباشد که به سمت این اهداف حرکت کند اهداف را می توان در میسری قرار داد که این اسب بدان سمت حرکت می کند از این نظریه با عنوان تصعید یاد می شود.

این استادیار دانشگاه آزاد تصریح کرد: هنر در نگرش مولوی قطعاً قابل طرح و بسیار مهم است. کما اینکه مولوی بیش از 51 هزار بیت شعر سروده است، اما در اندیشه او هنر در خدمت تعالی انسان است. در این اندیشه هنر برای هنر یا عبارت: هنرورزی کنیم تا هنر ورزیده باشیم، وجود ندارد. از منظر او نگاه هنری نگاهی الهی، یگانه و وحدت گرایانه است همه چیز را در رابطه با خدا قرار می دهد.

قنبری ادامه داد: جریانی وجود دارد که معتقدند هنر باید سکولار و دنیوی باشد، هنر وقتی دنیوی شد در جهت خدمت به انسان قرار می گیرد، از آن جهت که انسان، انسان است، نه از آن جهت که انسان بنده خداست. وقتی ما با هنر سکولار مواجه می شویم تنها با جنبه های انسان از آن جهت که انسان است روبه رو هستیم که از جمله آن، جنبه غریزی یا شهوانی انسان است. ناگفته نماند بر اساس این تفکر نیز می توان هنری را پایه ریزی کرد. کما اینکه اندیشه های دینی وجود دارد که خدامحور هستند و البته بر هنر مبتنی بر غرایز نیز اعتقاد دارند اما این غرایز در طول اهداف متعالی قرار گرفته اند. به عبارت دیگر در هنر مبتنی بر اندیشه خداگرایی، هنر دنیوی که برخاسته از تمایلات انسانی است جای دارد ولی از هم گسیخته و مبتنی بر امور دنیوی نیست. هیچ شک و شبهه ای نیست که این نگرش مبتنی بر نوع خاصی از شناخت انسان بوده و آن بنده دیدن انسان است و بس.

وی با بیان مثال هایی در توضیح بیشتر صحبت های خود گفت: تفاوت این نوع هنر با هنر سکولار در نوع نگاه آنها به مقوله هنر و نوع پیاده کردن و اجرای هنر است. به عنوان مثال در هندویسم خدایانی هستند که به غرایز خود بسیار بها می دهند به عنوان مثال خدای ویشنو عاشق دختران گپی یعنی دختران چوپان بود. بنابراین هنرهایی وجود دارد که به غرایز جنسی انسان پرداخته است یا در هندویسم شیوا را داریم. در شیوایسم بحث قدرت خلاقه مطرح می شود بر این اساس است که غریزه جنسی مقدس است برای اینکه عامل خلاقه شیواست. در اینجا هنر مبتنی بر غریزه صورت می گیرد اما این هنر با آن هنر برخاسته از اندیشه سکولاریستی یکسان نیست چراکه در این هنر معنویت و تعالی وجود دارد اما در هنر سکولاری صرفاً لذت وجود دارد.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد خاطر نشان کرد: به هرحال هنر غریزی در دیدگاه مولوی به گونه ای طراحی شده که نه تنها مانع رسیدن انسان به تعالی و کمال که می تواند در این حوزه انسان را مدد رسان باشد. هدف اصلی هنر سکولار ارضای غرایز شهوانی است و همین امر می تواند تا حدی پیش رود که انسان از قالب خویش بیرون رود و تا حد حیوان تنزل یابد چنانکه این اتفاق در کشورهای سکولار امروزی رخ داده است. در واقع رهایی انسان از خشونت امروزی تنها مشروط به پاک نگه داشتن هنر است.